

# عوامل موثر بر دگرگونی روابط روسیه با آمریکا در دوره «دمیتری مدودیف»<sup>۱</sup>

الهه کولایی \*

## چکیده:

در پی فروپاشی اتحاد شوروی، روابط فدراسیون روسیه با آمریکا مراحل گوناگونی را تجربه کرده است. دوره تصور پایان رویارویی دیرپای دو کشور پس از پایان جنگ سرد، بسیار کوتاه‌تر از آن بود که به تحلیل خوش‌بینانه غرب‌گرایان در سیاست خارجی روسیه قدرت بخشد. روند تحولات در روابط آمریکا-روسیه به سرعت فاصله میان دیدگاه‌های رهبران مسکو و واشنگتن را در مورد مسایل و مشکلات صلح و امنیت بین‌المللی آشکار ساخت. نگرانی‌های روزافزون روسیه در جمهوری‌های پیرامونی، با آثار روزافزون جنگ جهانی با تروریسم شدت یافت. حضور فزاینده آمریکا در غرب آسیا، در افغانستان و عراق و سپس بحران سوریه، برنامه هسته‌ای ایران و مسأله استقرار سامانه دفاعی موشکی آمریکا در اروپا، شرایط را برای تعارض‌های دو کشور آماده ساخت. در پایان نخستین

---

۱. این مقاله بخشی از پژوهشی است که در دانشگاه کارولینای شرقی انجام شده است. از دانشگاه تهران که ارائه حمایت لازم را برای انجام این فرصت مطالعاتی پذیرا شد، قدردانی و سپاس‌گزاری می‌کنم.

\*. استاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول: ekolaee@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۱۲  
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره هجدهم، صص ۱۰۵ - ۷۵.

دهه پس از جدایی جمهوری‌های اتحاد شوروی، «ولادیمیر پوتین» سیاست خارجی عمل‌گرایانه روسیه را تثبیت کرد تا «دمیتری مدودیف» آن را در مسیر «بازشروع» قرار دهد، که با دشواری‌های گوناگون و پیچیده‌ای روبه‌رو شده است. سؤال این نوشتار این است که کدام عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، سبب دگرگونی روابط روسیه با آمریکا در دوره ریاست جمهوری دمیتری مدودیف شدند؟ این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از دیدگاه نویسندگان روسی انجام شده تا سازوکار این دگرگونی از دیدگاه روسیه روشن شود.

**واژه‌های کلیدی:** روسیه، آمریکا، مدودیف، اواما، پوتین، خارج نزدیک، خاورمیانه، ایران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نامیدی رهبران غرب‌گرای روسیه از کمک‌های آمریکا برای رهایی از بحران اقتصادی و دگرگونی در توازن نیروهای سیاسی در روسیه، سبب شد پس از استقلال این کشور در روابط آن با آمریکا، دگرگونی‌های چشمگیر صورت گیرد. با افول رویکرد غرب‌گرایانه که در پی تحقق هرچه سریع‌تر ائتلاف با آمریکا بود، نگرش‌های ملی‌گرایانه اوراسیایی از توجه بیشتری برخوردار شد. تلاش دولت روسیه برای حفظ یکپارچگی و وحدت ملیت‌های تشکیل‌دهنده آن، حفظ و تداوم پیوندهای روسیه و جمهوری‌های "خارج نزدیک" که با مداخله‌های گوناگون آمریکا همراه بود، بر تنش در روابط دو کشور افزود. کندشدن گام‌های اصلاحات اقتصادی و تأخیر در روند دموکراتیک‌سازی روسیه نگرش‌های بدبینانه نسبت به غرب را تقویت کرد. در دوره اول و دوم ریاست جمهوری پوتین، عمل‌گرایی در سیاست خارجی روسیه تثبیت شد. در دوره مدودیف، رهبران آمریکا و روسیه کوشیدند روابط دو کشور را بازسازی کنند. با پیشنهاد هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا برای "بازشروع" روابط مسیر جدیدی باز شد. نیوزویک روسی نوشت در فوریه ۲۰۱۰ سند وزارت امور خارجه روسیه با عنوان "برنامه بهره‌وری موثر سیستمیک از عوامل سیاسی خارجی با هدف توسعه بلندمدت فدراسیون روسیه" برای تأیید به مدودیف ارائه شد. (Blank, 2010: 333) در این سند، حرکت جدید در سیاست خارجی روسیه بر پایه منافع اقتصادی و فرهنگی مشترک با آمریکا و غرب مورد تأکید قرار گرفت. در این سند، تقویت همبستگی روسیه با غرب بر اساس عوامل اقتصادی و فرهنگی پیشنهاد شد. همچنین توجه و سرمایه‌گذاری جدید مسکو در جمهوری‌های بالتیک و کشورهای مستقل هم‌سود برای ایجاد اهرم‌های مناسب برای منافع مسکو مطرح شد. همکاری گسترده روسیه با کانادا، ضرورت سرمایه‌گذاری کشور در بخش تکنولوژی آن و نیز سفر «سرگئی ایوانف» معاون

نخست وزیر در همین زمینه قابل اشاره است. همین دگرگونی‌ها در روابط روسیه با آلمان و فرانسه هم ایجاد شد. پیش از آن روسیه با تسهیل در روند گفت‌وگو برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی و پیمان همکاری با آمریکا در حوزه تکنولوژی غیرنظامی هسته‌ای، گسترش روابط با آمریکا را دنبال کرده بود. (Blank, 2010, 334)

با پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی، این نگرانی مطرح شد که در شرایط بهبود جایگاه کشورهای دیگر در اقتصاد روسیه، منافع شرکت‌های امریکایی در روند نزولی قرار خواهند گرفت (Cohen and Riley, 2012). با انتخاب «باراک اوباما» به عنوان رییس جمهوری آمریکا، نخستین بار «جوزف بایدن» معاون او واژه «بازشروع» را برای تحول در روابط آمریکا روسیه به کار برد. استفاده از این واژه به معنی آمادگی برای تغییر روابط دو کشور بود. روابط دو کشور از حمله نظامی سنگین روسیه به گرجستان بسیار آسیب دیده بود (1: Nezavisimaya Gazeta, 2009). برخی از کارشناسان روسی این سیاست را فرصتی بی‌نظیر برای روسیه و «پنجره‌ای استراتژیک» برای بهبود و گسترش همه‌جانبه روابط آن با آمریکا دانستند (8: Karaganov, 2011). پس از آن روسیه فشار بر تهران را بیشتر کرد و پشتیبانی از آمریکا در افغانستان را افزایش داد. آمریکا هم در مقابل، تحریک نیروهای ضدروس در جمهوری‌های پیرامون روسیه را کاهش داد. گسترش ناتو به سوی شرق را کند و انتقال سلاح به گرجستان را کم کرد (8: Karaganov, 2011).

با تیرگی روابط دو کشور در دوره بوش - پوتین، آمریکا از پیمان ای بی ام (مصوب سال ۱۹۷۲) خارج شد. تصمیم بوش برای استقرار سامانه دفاع موشکی در لهستان و جمهوری چک، شروع دور جدیدی از رقابت تسلیحاتی دو کشور بود. «کاندولیزا رایس» وزیر امور خارجه آمریکا و «رابرت گیتس» وزیر دفاع، امکان حضور نیروهای نظامی روس در محل استقرار سامانه موشکی دفاعی را مطرح کردند (1: Terekhov, 2009)، ولی روسیه از آن استقبال نکرد. «الکسی فننکو» در مقاله خود در مجله «امور بین‌المللی» در مسکو، سه دلیل را برای تبیین اهمیت طرح این موضوع از سوی رهبران دو کشور عنوان کرد: نخست، نگرانی از نابودی رژیم کنترل تسلیحات بود. اعتبار پیمان کاهش سلاح‌های استراتژیک (استارت - ۱) در دسامبر ۲۰۰۷ به پایان می‌رسید. دوم، نگرانی از رویارویی نظامی آمریکا و روسیه بود که در جریان جنگ ۵ روزه روسیه-گرجستان مطرح شده بود. امکان آن در شرق و مرکز اروپا هم مطرح بود. سومین دلیل هم تمایل اوباما به کاهش

چشمگیر زرادخانه تسلیحات روسیه بود. اواما در سخنرانی ۵ آوریل ۲۰۱۱ در گردهمایی امنیتی مونیخ، بر ضرورت کاهش ۷۵ درصد سلاح‌های هسته‌ای، نابودی سلاح‌های تاکتیکی هسته‌ای و رسیدن به بازدارندگی واقعی تأکید کرد. برخی از نکات مورد اشاره او در موافقت‌نامه «وایومینگ» در دوره اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۹ آمده بود (Fenenko, 2011). در این گردهمایی «جوزف بایدن» معاون اول اواما، لحنی آشتی‌جویانه در مورد روسیه داشت. (Terekhov, 2009: 1) او با تأیید دیدگاه ریاست جمهوری امریکا و با اشاره به زمینه‌های همکاری دو کشور، خواستار "بازشروع" روابط امریکا و روسیه شد. بایدن مسأله مبارزه با القاعده، امنیت در افغانستان و نیز تمدید توافق کنترل و کاهش سلاح‌های استراتژیک (استارت-۱) را هم مورد توجه قرار داد.

رویکرد آشتی‌جویانه معاون رییس‌جمهوری امریکا، دو سال پس از سخنان تند «ولادیمیر پوتین» علیه سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی امریکا، نشان داد اواما در پی تغییر سیاست‌های جهانی امریکا است. بسیاری سخنرانی پوتین را مقدمه‌ای برای آغاز جنگ سرد جدید در میان دو کشور ارزیابی کرده بودند. با این حال بایدن بر تصمیم امریکا در مورد استقرار سامانه موشکی دفاعی در جمهوری چک تأکید کرد. «سرگئی ایوانف» معاون نخست‌وزیر روسیه هم بر مخالفت کشورش با این اقدام پای فشرد. او پیشنهاد کرد دو کشور موافقت کنند سلاح‌های استراتژیک تهاجمی را خارج از سرزمین خود به کار نگیرند. این پیشنهاد آشکارا بیانگر نگرانی روسیه از استقرار سلاح‌های استراتژیک امریکا در اروپا و در نزدیکی مرزهای روسیه بود. روسیه در برابر استقرار سامانه دفاعی موشکی امریکا در جمهوری چک، تهدید کرده بود موشک‌های اسکندر را در منطقه کالینینگراد مستقر خواهد ساخت. با این حال «هیلاری کلینتون» و «سرگئی لاوروف» وزرای امور خارجه امریکا و روسیه، اجرای سیاست "بازشروع" را از ۶ مارس ۲۰۰۹ آغاز کردند (کولایی، خاشع و حبیب زاده، ۱۳۹۰: ۹۹-۸۰). سران ناتو و روسیه هم در نوامبر ۲۰۱۰ در لیسبون تصمیم گرفتند چارچوب مورد توافق سامانه دفاعی موشکی اروپایی مشترک را ارائه کنند. طرح "امنیت ارو-آتلانتیکی" در مسکو و واشنگتن با تفسیرهای گوناگون مطرح می‌شد. به هر حال در ژانویه ۲۰۱۱ شورای ناتو تصمیم گرفت سامانه دفاع موشکی اروپایی بدون روسیه کار خود را دنبال کند (Fenenko, 2011).

به هر حال، با توجه به شدت اختلاف نظرها، اواما و مدودیف در نشست همکاری‌های

آسیا-اقیانوسیه (آپک) در نوامبر ۲۰۱۱ در هونولولو، تصمیم گرفتند در نشست سران ناتو در شیکاگو در مارس ۲۰۱۲ گفت‌وگوی خود را دنبال کنند (Yermolin and Yunanov, 2011: 24). این نگرانی وجود داشت که در پی تزلزل این گفت‌وگوها، توافق‌های استارت و نیز توافق پراگ در مورد سامانه موشکی اروپایی مورد تهدید قرار گیرد. اختلاف‌نظرهای استراتژیک با پیدایی دشواری‌های منطقه‌ای تشدید شد. نخست، در مورد دستورکار گفت‌وگوهای امنیتی اروپایی توافق نشد. گنجاندن دیدگاه‌ها و سلاح‌های انگلیس و فرانسه در گفت‌وگوهای کنترل تسلیحات، موضوع مهم دیگر بود. دوم موضوع آسیای مرکزی و افغانستان همکاری روسیه و آمریکا را الزامی می‌ساخت. هرچند در نشست سران ناتو در لیسبون، خروج نیروهای غربی از افغانستان تا سال ۱۹۱۴ تصویب شد، ولی روسیه نگران عملیات نظامی آمریکا در این کشور و تشدید آن بود. سومین موضوع این بود که آمریکا و روسیه از ایجاد یک سازوکار امنیتی مناسب برای همکاری در منطقه آسیا-اقیانوس اطلس بازماندند. به‌زودی مشخص شد که "بازشروع" روابط روسیه و آمریکا در دوره ریاست جمهوری اوباما، کاری آسان نیست. تحولات روابط دو کشور پس از فروپاشی اتحاد شوروی به خوبی نشان می‌داد عوامل مهمی از شکل‌گیری روابط همکاری همه‌جانبه آمریکا و روسیه در شرایط جدید هم جلوگیری می‌کنند.

پرسش اصلی این نوشتار این است که چه عواملی در داخل روسیه و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی سبب تغییر در روابط روسیه و آمریکا در دوره مدودیف شد؟ فرضیه نویسندگان این است که با تقویت گرایش غرب‌گرایی در روسیه و تمرکز بر مبارزه با تروریسم و ناامنی در پیرامون روسیه و نیز مسایل کنترل تسلیحات، روسیه و آمریکا در مسیر بازشروع روابط قرار گرفتند. در مورد این موضوع در نشریه‌های علمی بین‌المللی مقاله‌های بسیاری منتشر شده است. ولی مانند بسیاری از مسایل روسیه در ایران، غیر از مقاله‌ای که نگارنده با دوتن از دانشجویان دکتری در دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی چاپ و منتشر کرده، در مورد موضوع این مقاله به فارسی مطلبی منتشر نشده است. نکته مهم اینکه نویسندگان با استفاده از منابع روسی، در فرصت مطالعاتی در دانشگاه کارولینای شرقی آمریکا، به بررسی این موضوع پرداخته است. این دگرگونی در داخل روسیه در تحول نگرش‌های غرب‌گرایی و اوراسیاگرایی تمرکز یافته است (نک. کولای، ۱۳۹۳). پیامد این تحول در داخل روسیه تأکید بر زمینه‌های همکاری دو کشور در منطقه و جهان بوده است.

عوامل دگرگونی روابط روسیه و امریکا در دوره مدودیف در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با تأکید بر دیدگاه‌ها و تحلیل‌های صاحب‌نظران روس بررسی شده است.

## ۱. عوامل داخلی

در آیین سیاست خارجی روسیه، وزارت دفاع از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. نهادهای پژوهشی، آموزشی و سازمان‌های دولتی و غیردولتی هم در این زمینه فعالیت دارند. در این متن، اهمیت شفافیت در سیاست خارجی روسیه در پاسخ به نیازها و الزام‌های جهانی مورد تأکید قرار گرفته، تا روند تغییرهای داخلی در روابط بین‌المللی بازتاب پیدا کند. ایده دیپلماسی شبکه‌ای و نیز عامل مذهب در آیین سیاست خارجی روسیه مورد توجه قرار گرفت. برخی روندهای بین‌المللی مانند گرایش به ایجاد نظام تک‌قطبی از مسایل مورد نقد در این متن بود. از این دیدگاه مشکلات جهانی ضرورت گسترش همکاری‌های جمعی را بیش از پیش مشخص کرده است. حمله نظامی امریکا به افغانستان پس از رخدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و اقدام یک‌جانبه گرایانه آن در سال ۲۰۰۳ در عراق، در همین زمینه مورد انتقاد قرار گرفت.

در دوره ریاست جمهوری مدودیف، تغییرهای آشکاری در سیاست خارجی روسیه شکل گرفت. در آغاز ریاست جمهوری او، روسیه ریاست گروه ۸ را برعهده داشت و به عضویت شورای اروپا و شماری از مجامع مهم بین‌المللی درآمد. مسایل سیاست خارجی در گزارش سالانه رییس جمهوری به شورای فدراسیون از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود (Kramarenko, 2008: 28). سند سیاست خارجی سال ۲۰۰۰ پس از رخدادهای سپتامبر ۲۰۰۱ نیازمند دگرگونی جدی بود. سند جدید هم برای بهبود شرایط دشوار بین‌المللی، همچنان بر ایده نظام چندقطبی تأکید داشت و تنوع فرهنگی و رویکردهای متنوع توسعه را مطرح می‌ساخت. در دیدگاه برخی از تحلیل‌گران روسی، توجه به استقلال فرهنگی در شرایط گسترش ارتباطات بین‌المللی، می‌توانست مانند دوران پترکبیر، امکان پیشبرد برنامه‌ای درخور ملاحظات بین‌المللی روسیه به وجود آورد تا این کشور بتواند به طور مستقل اهداف خود را پیگیری کند. (Kramarenko, 2008: 29) از دید نویسندگان این سند، در شرایط جدید بین‌المللی که امریکا برپایی "صلح امریکایی" را در جهان دنبال می‌کند، روسیه هم باید رویکردهای مناسبی را در چارچوب منافع خود طراحی و اجرا کند.

به نظر آنان، امریکا نشان داده مایل و قادر نیست نظامی با توجه به دیدگاه‌های همگان برای ثبات و امنیت بین‌المللی ایجاد کند. به نظر آن‌ها نظام غرب‌محور از حل و فصل مشکلات روزافزون جهانی بازمانده است. بر این اساس، پافشاری واشنگتن بر نگرش ایدئولوژیک خود در این زمینه بسیار تأثیرگذار بوده است.

یکی از عوامل موثر بر سیاست خارجی روسیه را باید تأثیر طبقه‌ای نوظهور در روسیه دانست که «میخائیل خودورکوفسکی» آن را «طبقه خط لوله» خوانده است (Khodorkovsky, 2011: 4). این طبقه ارتباط مستقیم با مسأله انتقال انرژی از روسیه و جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی دارد. موضوع حفظ انحصار روسیه در حوزه انرژی بر رفتارهای سیاست خارجی آن تأثیری عمیق داشته است. تلاش روسیه برای ایفای نقش ابرقدرت انرژی در سیاست جهانی، با منافع و دیدگاه‌های گروهی از سیاستمداران این کشور و نیز مدیران بخش انرژی و خط لوله انتقال گاز و نفت از روسیه پیوندی عمیق یافته است. آیین سیاست خارجی جدید روسیه، رویکرد رویارویی جویانه را کنار گذاشت، به دیدگاه‌های تاریخی برخی از رهبران روسیه روی آورده است، در مورد اینکه این کشور در پی تشدید تقابل نیست. در اوت ۱۸۵۶ آ. م. گورچاکوف نخست‌وزیر روسیه در نامه خود سیاست رویارویی روسیه با جهان را پایان یافته خوانده بود. (Kramarenko, 2008: 29) بر این اساس همه کشورهای جهان باید به طور برابر برای تأمین منافعشان تلاش کنند. با پیروزی پوتین در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۱، دستاوردهای شش‌ماهه دولت روسیه مورد ارزیابی قرار گرفت. برپایه این سند سیاست خارجی روسیه در جهت ایجاد شرایط مناسب برای توسعه همه‌جانبه کشور و نوسازی بنیادین اقتصاد کشور برای رقابتی ساختن آن هدایت شده بود. (Yeryomenko, Gabuyev and Chernenko, 2011: 8) در این گزارش بر ظرفیت حداقلی نیروهای نظامی در روسیه، برای دفاع از کشور تأکید شد، ولی برنامه اختصاص ۲۰ میلیارد روبل برای تأمین تسلیحات و تجهیزات نیروهای نظامی روسیه، با این رویکرد چندان تناسبی نداشت.

این برنامه را مدودیف پیشنهاد کرد، پوتین هم آن را مورد تأیید قرار داده بود. نویسندگان گزارش عملکرد شش‌ماهه سیاست خارجی پوتین و تصویب پیمان استارت ۲ را تأیید اجرای سیاست او برای کاهش هزینه‌های تسلیحاتی برآورد کردند. در این گزارش به تلاش بی‌نتیجه روسیه هم برای گرفتن تضمین امنیتی از امریکا، که اسقرار این



سامانه موشکی تهدیدی برای روسیه نخواهد بود، اشاره شد. با این حال دیمیتری ترینین به رییس مرکز کارنگی در مسکو هشدار داد و به تجربه ناکام تضمین امنیتی روسیه از آلمان هیتلری در سال ۱۹۳۹ و حمله آلمان به روسیه در سال ۱۹۴۱ اشاره کرد. به نظر ترینین این تضمین را باید در مسیر گفت‌وگوها و رفتارهای سیاسی ایجاد و حفظ کرد (8: 2011, Yeryomenko Gabuyev and Chernenko). یکی از دستاوردهای سیاست خارجی روسیه که در این گزارش مورد توجه قرار گرفت، موافقت ناتو با فروش بالگرد ام آی-۱۷ روسی به ارتش افغانستان بود. فعالیت مشترک برای انتقال مواد مورد نیاز در این کشور برای مبارزه با طالبان از دیگر دستاوردهای مورد اشاره در این گزارش بود. مصوبه شورای قطب شمال در مورد جلوگیری از نفوذ آمریکا و اروپا در این منطقه هم، تاکید بر نقش جهانی سازمان ملل متحد در تامین صلح و ثبات بین‌المللی نیز از نکات مورد توجه در این گزارش بود. دولت روسیه پیشبرد طرح‌های ساختن خط لوله برای انتقال گاز این کشور به اروپا را از موفقیت‌های خود دانست.

پوتین در آغاز دوره سوم ریاست جمهوری خود، حاضر نشد در نشست رهبران هشت کشور بزرگ صنعتی جهان در مه ۲۰۱۲ در کمپ‌دیوید شرکت کند و در پاسخ به دعوت تلفنی اوباما، خود را درگیر فعالیت‌های تشکیل کابینه جدید دانست. (Gabuyev, 1: 2011, Solovyov, Chernenko and Konstantinov) اولین سفر خارجی خود را به چین انجام داد تا ادامه سیاست اوراسیاگرایی در روسیه را به نمایش بگذارد. روسیه از هنگام سفر بوریس یلتسین به چین در سال ۱۹۹۷، دیدگاه یوگنی پریماکوف را در سیاست خارجی خود دنبال کرد که اتحاد روسیه با چین و هند و نزدیکی با کشورهای اسلامی را توصیه کرده بود.

## ۲. عوامل منطقه‌ای

دگرگونی در سیاست‌های منطقه‌ای روسیه، با تحولات اساسی در جمهوری‌های پیرامونی و نیز خاورمیانه، ابعاد آشکارتری یافت. رشد اسلام سیاسی و دشواری‌های گذار در این کشورها، رهبران روسیه را ناچار ساخت به پیوندهای امنیتی با این مناطق توجه کند.

## ۲-۱. روسیه و جمهوری‌های پیرامونی

در دیدار ولادیمیر پوتین از قرقیزستان در سپتامبر ۲۰۱۲ در مورد بهره‌برداری روسیه از پایگاه ماناس و ساختن یک نیروگاه آبی توافق شد. پوتین و آلمازبیک آتامبایف در یک نشست مشترک اعلام کردند امریکا در سال ۲۰۱۴ پایگاه ماناس را به قرقیزستان پس خواهد داد و در سال ۲۰۱۷ پایگاه مشترک روسیه- قرقیزستان در اوش ایجاد خواهد شد که دست‌کم ۱۵ سال فعال خواهد بود. (Barbashin, 2012: 9) در همان حال پایگاه هوایی روسیه در کانت به فعالیت خود ادامه خواهد داد. این موضوع پیشرفتی بزرگ برای روسیه بود که نفوذ سیاسی خود را با افزایش فعالیت‌های اقتصادی در آسیای مرکزی تقویت کرده است. کمک روسیه به دولت قرقیزستان برای بازسازی نیروگاه شماره یک بیشکک، نه تنها به خودکفایی این کشور در تامین نیاز برق منجر می‌شود، بلکه امکان صادر کردن آن را نیز فراهم می‌کند. این طرح روسیه را به بازار انرژی آسیا، فراتر از آسیای مرکزی تا هند از مسیر افغانستان و پاکستان می‌رساند. در همین حال توافق برای ادامه حضور نیروهای روس در تاجیکستان از ۲۰ سال به ۳۰ سال افزایش یافت. تحولات آسیای مرکزی علاقه روزافزون روسیه به ارتقاء حضور در این منطقه را نشان می‌دهد. امریکا هنوز به مسیر افغانستان نیاز دارد تا تجهیزات و لوازم مورد نیاز برای حمایت از دولت افغانستان را به این کشور انتقال دهد. به‌ویژه پس از خروج از افغانستان در سال ۲۰۱۴، ارتباط و اعمال نظارت بر این کشور اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. روسیه به طور پیوسته نفوذ خود را در این منطقه افزایش می‌دهد. طرح اتحادیه اوراسیایی روسیه بدون پیوستن قرقیزستان معنی پیدا نمی‌کند. این اتحادیه گمرکی با حضور روسیه، روسیه سفید، قزاقستان شکل گرفته است. روسیه در آسیای مرکزی تنها منافع اقتصادی را دنبال نمی‌کند، بلکه مساله اسلام سیاسی در این منطقه موجب نگرانی شدید روسیه بوده است.

با این حال روابط روسیه با ازبکستان در جهت تیرگی تحول یافته است. خروج ازبکستان در ژوئن ۲۰۱۲ از سازمان امنیت جمعی نشانه آن بود. در پی توافق روسیه و قرقیزستان و تبدیل ماناس تنها به مرکز انتقال نیروها و تجهیزات، امریکا نیز برای رسیدن به توافقی مناسب با دولت ازبکستان به تلاش پرداخت. البته در ۳۰ اوت ۲۰۱۲ به پیشنهاد اسلام کریم‌اف، مجلس این کشور دادن پایگاه به کشورهای خارجی را ممنوع کرد. در مجموع می‌توان گفت اهداف روسیه در آسیای مرکزی عبارت است از: کاهش انتقال

تهدید از جنوب، افزایش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای منطقه به‌ویژه در زمینه انرژی و انتقال آن، تقویت روند همگرایی منطقه‌ای و همبستگی‌های دوران اتحاد شوروی، پاسداری از یکپارچگی فرهنگی و حمایت از روس‌تبارها در سراسر جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی با حمایت از زبان روسی.

جنگ اوت ۲۰۰۸ تأثیری ویرانگر بر روابط روسیه با آمریکا داشت. این جنگ کوتاه نگاه رهبران آمریکا به سیاست‌های روسیه را بسیار دگرگون ساخت. با به رسمیت شناختن جدایی آبخازیا و اوستیای گرجستان از سوی روسیه، در حدود ۲۰ درصد از سرزمین‌های گرجستان از آن جدا شده بود. با افزایش فشارهای مسکو بر تفلیس، که راه انتقال انرژی از باکو به سوی ترکیه و اروپا را از مسیری جز روسیه باز کرده بود، آمریکا نیز نارضایتی خود را آشکار کرد. در اواخر ژوئیه ۲۰۱۱، سنای آمریکا در آستانه سومین سالگرد جنگ گرجستان در حمایت از این کشور، روسیه را اشغالگر خواند و از یکپارچگی سرزمینی گرجستان دفاع کرد. (Simonyan, 2011: 6) با این حال دیمیتری مدودیف نخست‌وزیر روسیه به سربازان روسی در ولادی قفقاز گفت، جنگ اوت ۲۰۰۸، جلوی ورود ناتو به گرجستان را گرفت. (Dvali and Reutov, 2012: 2) ولی پوتین روابط خوبی با ساکاشویلی برقرار کرد. روسیه می‌کوشد همکاری گرجستان با ناتو را کاهش دهد. رهبران روسیه بارها هشدار داده‌اند در برابر پیوستن جمهوری‌های پیشین شوروی به ناتو سکوت نمی‌کنند و در صورت چنین رخدادی، همه توافق‌هایشان با ناتو بی‌اثر خواهد شد. (نک. کولایی، تیشه‌یار و محمدی، ۱۳۸۶)

## ۲-۲. روسیه و خاورمیانه

دیدار کوتاه ایهود اولمرت نخست‌وزیر اسرائیل از مسکو، برای ابراز نگرانی از همکاری هسته‌ای روسیه با ایران، دو روز پس از سفر رسمی ولادیمیر پوتین به تهران، برای شرکت در نشست سران کشورهای ساحلی دریای خزر در تهران، در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۷ انجام شد. (Reutov and Asmolov, 2007, 9) دیدار ولادیمیر پوتین از تهران در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۷، پیام حمایت از ایران را برای آمریکا و اسرائیل در برداشت. با این‌که این سفر، پیش از نشست تهران تنظیم شده بود، اما پوتین ترجیح داد برای پیشگیری از تأثیر آن بر سفرش به تهران، خبر آن منتشر نشود. زوی ماگن سفیر پیشین اسرائیل در روسیه، سفر اولمرت

به این کشور را، نشان‌دهنده تلاش مسکو برای ایجاد توازن در روابط خود با تهران و تل‌آویو خواند. در گفت‌وگوهای ایران با کشورهای بزرگ جهان، روسیه نشان داد مایل است نقش یک قدرت تاثیرگذار بر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را بازی کند. پرونده‌ی ایران فرصت مناسبی را برای این کشور فراهم کرد تا هدف نمایش استقلال عمل در هنگام همکاری را به نمایش بگذارد.

با این حال در نوامبر ۲۰۰۹ ایران که در انتظار تحویل سیستم موشکی اس ۳۰۰ از سوی روسیه بودند، با تصمیم تحویل ندادن آن از سوی مسکو روبه‌رو شدند. این خلف وعده در انجام تعهد یک قرارداد یک میلیارد دلاری با اعتراض شدید ایران همراه شد. مقام‌های روس تاخیر خود را به مشکلات فنی مربوط ساختند، ولی روشن بود که دلایل آن سیاسی است. (Solovyov, 2009: 4) این رفتار در مورد پایان ندادن تکمیل نیروگاه بوشهر بارها تجربه شده بود. بسیاری از مقام‌های ایرانی هم از تاخیر در راه اندازی نیروگاه بوشهر انتقاد کردند. این موضوع سبب افزایش نارضایتی ایرانیان هوادار گسترش روابط با روسیه، از بدقولی روس‌ها در تحویل این نیروگاه به ایران شد. (Terekhov, 2009: 1) روسیه در برابر ادعاهای آمریکا در مورد اهداف نظامی برنامه هسته‌ای ایران، پیوسته آن را مردود می‌خواندند. (Koryashkin, 2012: 6) آن‌ها استقرار سامانه موشکی در اروپا به عنوان بازداشتن حمله موشکی ایران را نیز نپذیرفتند. البته در مورد برنامه هسته‌ای ایران، روس‌ها چرخش‌های تاکتیکی بسیار داشته‌اند.

روسیه برای تاثیر بر منازعه اعراب و اسرائیل هم تلاش بسیاری داشته است. مسکو امیدوار بود روابط سنتی‌اش با سازمان آزادی‌بخش فلسطین، بتواند در دست‌یابی به این هدف کمک کند. پس از پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات ژوئن ۲۰۰۶ در فلسطین، که حماس کنترل غزه را به دست آورد و کرانه غربی را به فتح واگذار کرد، آمریکا و اروپا هم ضرورت گفت‌وگو با آنان را مورد تاکید قرار داده بودند. (Reutov, 2007: 6) اسرائیل و کشورهای غربی امیدوار بودند در شرایطی که حماس نابودی اسرائیل را هدف خود اعلام می‌کرد، با جریان میانه‌روی فتح به توافق دست یابند. مسکو هدف خود را یکپارچه‌سازی ملت فلسطین و کنارهم قرار دادن دو سازمان اعلام کرده بود. روسیه برخلاف انعطاف در برابر سیاست‌های آمریکا و اروپا در جریان سقوط دولت قذافی، در مورد جنگ داخلی خونین در سوریه، در حمایت از بشار اسد سیاست پیگیری را دنبال کرده است. روس‌ها

بر این باور هستند که امریکا و ناتو با برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس مانند قطر و عربستان سعودی با کمک های خود، مخالفان دولت سوریه را تجهیز و تقویت می کنند. نقش دولت قطر در اقدام های اتحادیه عرب بر علیه سوریه مورد توجه روسیه قرار داشته است. از دیدگاه برخی از آنان دولت قطر حتی در تقویت اسلام گرایان قفقاز نیز فعالیت زیادی داشته است. (Konstantinov, 2012: 7) دولت قطر در رخدادهای منجر به سقوط قذافی در لیبی هم بسیار فعال بود.

به باور بسیاری از روس ها، امریکا و ناتو در پی اجرای سناریوی لیبی در سوریه هستند و در پی پیشبرد برنامه های خود برای واژگون کردن حکومت اسد با ابزارهای نظامی حرکت می کنند. (Koryashkin, 2012: 6) در همان حال برای امریکا و اروپا، در حالی که ایمن الظواهری، رهبر کنونی طالبان مبارزه علیه دولت اسد را اعلام کرده است، (Satanovsky, 2012) ارسال سلاح و تجهیزات برای مخالفان سوری بسیار دشوار است. از نظر بسیاری از سیاستمداران روسیه، سوریه در مسیر اجرای سیاست امریکا و ناتو در لیبی حرکت کرده است، که در جریان آن هیچ توجه ویژه ای به دیدگاه روسیه در این مورد نداشت. (Volkov and Samodin, 2011: 9) روسیه نقش مهمی در بازداشتن امریکا و اروپا از پیگیری سیاست های خود در برابر بشار اسد ایفا کرده است. یکی از دلایل آن نارضایتی مسکو در مورد از دست دادن یکی از مشتریان سلاح های خود است. سوریه در سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ در حدود ۴ میلیارد دلار از روسیه سلاح خرید. در سال ۲۰۱۱ بالغ بر یک میلیارد دلار تجهیزات نظامی از روسیه به این کشور انتقال یافت. (Vedomosti, 2012: 6) پایگاه دریایی ترئوس سوریه در کنار دریای مدیترانه که از دوران اتحاد شوروی مانده است، اهمیت استراتژیک دارد. حتی اگر از نظر سیاسی هم این بندر اهمیت زیادی نداشته باشد، نظامیان روسیه بر آن تاکید دارند.

رهبری کنونی روسیه با روندهای سیاسی کنونی در سوریه همسازی بیشتری دارند. مقاومت رژیم سوریه در برابر خواسته گشایش فضای سیاسی از سوی مخالفان، با حمایت های همه جانبه آنان همراه بوده است. از دیدگاه رهبران روسیه روند تحولات سوریه و مبارزه مخالفان حکومت اسد بر پایه معادلات قدرت در منطقه و جهان و نه سازوکارهای داخلی در سوریه ارزیابی می کنند. در واقع اهمیت سوریه برای روسیه بسیار بیش از خریدار سلاح های این کشور است، از دوران اتحاد شوروی سوریه در برابر امریکا و اسرائیل،

متحد استراتژیک آن بوده است. رهبران روسیه بسیار نگران هستند که با سقوط رژیم اسد، منازعه به مرزهای جنوبی آن در ایران انتقال پیدا کند. (Vedomosti, 2012: 8) به بیان فئودور لوکیانوف سردبیر مجله روسیه و سیاست جهانی روسیه با سیاست خود در سوریه، به امریکا و متحدان عرب او گوشزد می کند که کنار گذاشتن روسیه و توجه نکردن به دیدگاه آن در سیاست منطقه بی نتیجه است. گئورگی میرسکی پژوهشگر ارشد انستیتوی اقتصاد جهانی و روابط بین الملل آکادمی علوم روسیه می گوید ولادیمیر پوتین می خواهد از او چهره‌ای در تاریخ بماند که قدرت جهانی روسیه را بازسازی کرد. تجربه لیبی و کشتن قذافی متحد پیشین اتحاد شوروی برای روسیه تحقیری فراموش نشدنی بود.

ولادیمیر پوتین در تابستان ۲۰۱۲ امکان به کارگیری نیروهای روسی را در خارج از مرزهای سازمان پیمان امنیت جمعی (سی اس تی ا) مطرح ساخت. هدف اصلی او با توجه به روند وخامت اوضاع در روسیه، تاکید بر توانایی مداخله بیشتر در تحولات داخلی این کشور در برابر مداخله فزاینده اروپا و امریکا و برخی کشورهای عرب در منطقه بوده است. (Kononov, 2012: 1) نیکلای بوردیووا دبیر کل این سازمان نیز اعلام کرد بررسی در این زمینه آغاز شده است. (Current Digest, 2012: 15-16) سفر ژوئن ۲۰۱۲ ولادیمیر پوتین به برخی کشورهای اروپایی، تحت تاثیر رخدادهای سوریه رضایت بخش نبود. در هنگام دیدار او با آنگلا مرکل صدراعظم آلمان، تظاهرات مخالفان خشمگین اسد علیه او، بیانگر نارضایتی شدید از سیاست‌هایش در سوریه بود. در فرانسه نیز دیدار او با فرانسوا اولاند رییس جمهور، بسیار سرد توصیف شد و گفت و گوی آن‌ها "گفت و گوی ناشنوايان" خوانده شد. (Latynina, 2012: 8) حمایت موثر کشورهای اروپایی و امریکا از جنبش‌های اجتماعی ویرانگر در کشورهای عربی، سبب شد روسیه در پشتیبانی از حکومت‌های اقتدارگرا بیشتر فعالیت کند. این تحولات رویارویی ژئوپلیتیکی روسیه با امریکا را آشکارتر ساخت.

### ۳. عوامل بین المللی

روسیه با گذشت دو دهه از فروپاشی اتحاد شوروی، هنوز به انسجام سیاسی-اقتصادی مناسب دست نیافته است. این کشور به عنوان مالک بزرگترین انبار سلاح‌های هسته‌ای و نیز عظیم‌ترین منابع طبیعی متنوع، در مورد ساختار سازمانی قدرت همچنان با شکاف‌های قابل توجهی در میان نخبگان روبه‌رو است. در همان حال که حفظ یکپارچگی

سرزمینی آن به عنوان یک ملاحظه امنیتی مورد تاکید همه آنها است، در مورد جایگاه بین‌المللی آن هنوز اجماعی وجود ندارد. (Zelobin, 2012) هنوز نظام سیاسی با ثباتی در این کشور استقرار نیافته است. تحولات سال‌های اخیر نشان می‌دهد دیدگاه‌های نخبگان روسی در بسیاری مواقع، بیش از آنکه تحت تأثیر منافع بلندمدت و کلان کشور باشد، به شدت مقطعی و موردی است. برخی عوامل در این زمینه قابل اشاره است: نخست، دیدگاه حاکم در روسیه در مورد جایگاه این کشور در جهان بیشتر ایدئولوژیک است تا علمی و واقع‌گرایانه. دوم، تأثیر گروه‌های فشار و صاحبان منافع گوناگون و نهادهای قدرت در این زمینه قابل توجه است. دیدگاه‌های وزارت دفاع روسیه در این زمینه تأثیرگذار بوده است. نقش افراد و نه نهادها در این مورد غیرقابل چشم‌پوشی است.

در پایان نظام دوقطبی و دوره جنگ سرد، رهبران فدراسیون روسیه، حتی «بوریس یلتسین» و همکاران غرب‌گرای او اهمیت شکل‌گیری جهانی چندقطبی را مورد تأکید قرار دادند. ولی بسیاری مانند «تیکلای پاتروشف» دبیر شورای امنیت روسیه، اروپا را در اندازه قطبی نمی‌دانند که بتواند به جهان چندقطبی موضوعیت بدهد (Koryashkin, 2012: 6). برخی از روس‌ها، اروپا را نه تنها یک متحد، بلکه آن را حتی همکاری کارآمد برای خود نمی‌دانند (Ivanov, 2012: 47). آن‌ها اروپا را دارای توانمندی تکنولوژیک لازم در جهت تأمین نیازهای خود نمی‌دانند. با این حال، بسیاری هم روسیه را بخش مهمی از تمدن اروپایی می‌دانند (Gromyko, 2012). با توجه به شرایط جغرافیایی این کشور، روسیه خود را ناچار از ایفای نقشی مهم در تحولات بین‌المللی یافته است. رهبران روسیه همواره بر راه‌حل‌های صلح‌آمیز برای مشکلات جهانی تأکید کرده‌اند. پوتین سیاست خارجی روسیه را نه رویارویی جویانه، بلکه همکاری‌آمیز و در جهت تقویت یکپارچگی جهانی معرفی کرده و اهمیت مسایل اقتصادی را در سیاست خارجی روسیه مورد تأکید قرار داده است. او تعمیق و گسترش همگرایی کشورهای مستقل هم‌سود را کانون سیاست خارجی روسیه دانسته است. بر این اساس تقویت و تحکیم اتحادیه اقتصادی اوراسیا مورد توجه قرار گرفته است (Putin, 2012: 4). این در حالی است که امریکا و اروپا برای توسعه نفوذ و افزایش منافع خود در حوزه علایق روسیه، سیاست‌های گوناگونی را پی گرفته‌اند.

### ۱-۳ مسایل امنیتی و کنترل تسلیحات

در سال ۲۰۱۰ موضوع ایجاد سامانه دفاعی مشترک روسیه با امریکا و اروپا، از ون کوور تا ولادی وستک مطرح شد. برخی ژنرال‌های روسی شکل‌گیری یک سامانه کارآمد موشکی اروپایی را، بدون روسیه غیرممکن می‌دانستند (Sharavin, 2010: 12). آنان برای به‌کارگیری آتی موشک‌های زمین به هوای اس-۴۰۰ و اس-۵۰۰ در نظام امنیتی مشترک اروپا جایگاه ویژه‌ای قایل بودند. هرچند بسیاری از کارشناسان نظامی آن را اجرایی نمی‌دانستند. در آیین نظامی روسیه که در سال ۲۰۱۰ به تصویب رسید، نیروهای هوا-فضایی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده‌اند (Arbatov, 2011: 3). این واقعیت که روسیه نیز در حال ساخت سامانه موشکی خود است، بیانگر اهمیت این بخش از نیروهای نظامی در تأمین امنیت روسیه است. بر اساس دیدگاه روسیه، سامانه موشکی آن برای دفاع از این کشور در برابر تهدیدهای هوایی ایجاد شده است. روشن است تنها کشوری که در جهان می‌تواند چنین تهدیدهایی برای روسیه ایجاد کند، امریکا است. بنابراین، روسیه نمی‌تواند هم‌زمان دو سامانه موشکی داشته باشد: یکی را علیه امریکا سازمان دهد و دیگری را با آن شریک شود. با این حال «گئورگی آرباتوف» عضو آکادمی علوم روسیه، بر این باور است که دو کشور می‌توانند در ایجاد یک سامانه دفاعی مشترک برای یک حوزه مشخص، با یکدیگر همکاری بخشی داشته باشند (Arbatov, 2011: 3). مقام‌های امریکایی در سطوح مختلف پای‌بندی خود را به ادامه برنامه سپر دفاعی موشکی مورد تأکید قرار داده‌اند. روسیه به توجیه امریکا در ضرورت استقرار این سامانه در اروپا در برابر احتمال حمله موشکی ایران بدبین است. از دیدگاه روسیه، امریکا همواره تأکید کرده که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای خواهد شد. روسیه احتمال تهدید از سوی ایران و کره شمالی را در این زمینه رد می‌کند. از دیدگاه کارشناسان نظامی روس، این همان سیاستی است که امریکا در مورد برطرف کردن مشکلات فنی و تکنولوژیک سامانه دفاعی موشکی خود دارد. هنگامی که مشکلات خود را حل کرد، آن‌گاه مطالبات و اهداف خود را دنبال می‌کند.

گروهی سال ۲۰۱۰ را در روابط امریکا و روسیه بسیار خوب ارزیابی کردند. در آوریل ۲۰۱۰ پیمان کاهش و محدودسازی سلاح‌های تهاجمی استراتژیک در میان دو کشور امضا شد. ۱۲۳ قرارداد همکاری در زمینه تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای در میان آن‌ها بسته شد. (Fenenko 2011), پذیرفته‌شدن روسیه در سازمان تجارت جهانی و تعلیق



مصوبه جکسون - ونیک نیز از نشانه‌های "بازشروع" در روابط امریکا و روسیه برآورد شد. روسیه از سال ۱۹۹۳ برای پیوستن به این سازمان تلاش کرده بود. همکاری‌های هسته‌ای غیرنظامی دو کشور که از سال ۲۰۰۸ در دوره بوش - پوتین آغاز شده بود، با جنگ گرجستان تعلیق شد. برای بسیاری از تحلیل‌گران، تصویب پیمان استارت ۲ مهم‌ترین دستاورد "بازشروع" روابط دو کشور بوده است. آن‌ها مهم‌ترین رقیب روسیه را نه امریکا، بلکه چین می‌دانند (Rogov, 2012: 1). این پیمان در ۸ آوریل ۲۰۱۰ در پراگ به امضای رهبران دو کشور رسید، سپس در مه ۲۰۱۰ اوباما آن را به‌منظور تصویب برای کنگره فرستاد که تا پایان همان سال تصویب شد (Klenov, 2012: 36-44). ولی موانع جدی همچنان پیش روی رهبران دو کشور وجود داشت. کنگره در جریان بحث در مورد تصویب پیمان استارت - ۲ بقای موضوع استفاده از موشک‌های میان‌برد را شرط تصویب آن قرار داد (Kosachov, 2011: 6). مسأله ارتباط میزان سلاح‌های استراتژیک تهاجمی و دفاعی از مهم‌ترین مواردی بود که مذاکره‌کنندگان در توافق در مورد آن ناکام ماندند. به هر ترتیب، کاهش سلاح‌های استراتژیک و در پی آن پایین آمدن هزینه‌های نظامی، برای روسیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. «کنستانتین کوزاچف» رییس کمیته روابط خارجی دوماي کشور روسیه، تصویب پیمان استارت - ۲ را نشانه آغاز همکاری اوباما و مدویدف خواند. او بر "اعتماد و بازرسی" به‌عنوان عوامل ضروری موفقیت دو کشور برای رسیدن به نتایج مورد نظرشان تأکید کرد. در نوامبر ۲۰۱۰ دولت‌های انگلیس و فرانسه برای هماهنگی در زمینه آزمایش‌های هسته‌ای توافق کردند (Fenenko, 2011). آن‌ها می‌توانند با کمک امریکا به تولید این موشک‌ها بپردازند، بدون آنکه امریکا تعهدهای خود را در پیمان یادشده نقض کرده باشد.

در پی تصویب پیمان استارت - ۲ گروهی از صاحب‌نظران و کارشناسان بلندپایه نظامی - سیاسی امریکا و روسیه بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های همکاری دو کشور را در عرصه سامانه‌های موشکی، به ویژه در اروپا عهده دار شدند (Solovyov, 2011: 8). این گروه باید با ایجاد هماهنگی پایدار و بلندمدت در میان مسکو و واشنگتن دو موضوع مهم را در روابط بین‌الملل پیگیری می‌کرد: مسأله عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای. بر اساس توافق‌های امریکا و روسیه در چارچوب پیمان استارت - ۲ دو کشور برای کاهش سلاح‌های استراتژیک خود پذیرفتند اقدام‌های مهمی را انجام دهند. از جمله شمار

کلاهک‌های هسته‌ای خود را به ۱۵۵۰ برسانند و شمار پرتاب‌کننده‌هایشان از ۸۰۰ نباید بیشتر باشد (Solovyov, 2010: 1). مهم‌ترین دشواری در روابط دو کشور، مسأله استقرار سامانه دفاعی موشکی در اروپا است که دو کشور دیدگاه‌های متفاوتی دارند. پیشینه این طرح به دوره ریاست‌جمهوری «رونالد ریگان» و جنگ سرد برمی‌گردد که در اصل برای تشدید فشار مسابقه تسلیحاتی بر اقتصاد اتحاد شوروی طراحی شده بود. «پاول فلنگاثر» کارشناس برجسته نظامی روس، تلاش مدودیف برای بهبود روابط با آمریکا را با تلاش «گورباچف» در نشست مشهور ریکیاویک (ایسلند) با ریگان در سال ۱۹۸۶ مقایسه کرد، با این تفاوت که برخلاف گورباچف، مدودیف در تعلیق سامانه دفاع موشکی در اروپا موفق نشد (Flengauer, 2011: 10). در جریان بحث سامانه موشکی دفاعی آمریکا، دمیتری مدودیف رییس جمهوری روسیه، از احتمال آغاز دور جدیدی از مسابقه تسلیحاتی آمریکا و روسیه سخن گفت و ولادیمیر پوتین نخست‌وزیر تهدید کرد روسیه در برابر استقرار سپر دفاعی موشکی آمریکا در لهستان و چک مقابله به مثل خواهد کرد (Solovyov, 2010: 8). «الکسی آرباتوف» تحلیل‌گر برجسته روس، استقرار این سامانه را اقدامی برای تضعیف توانمندی‌های استراتژیک این کشور برآورد کرد (Yermolin and Yunanov, 2011: 24-26). به هر حال، آمریکا مایل نبود کاهش سلاح‌های استراتژیک به کاهش امنیت آن منجر شود. مذاکره‌کنندگان روسیه هم همین نگرانی را داشتند.

در چهل و هفتمین نشست گردهمایی امنیتی مونیخ در سال ۲۰۱۱ هیلاری کلینتون تأکید کرد آمریکا در برنامه سپر دفاعی موشکی خود محدودیتی را نمی‌پذیرد، در حالی که «سرگئی ایوانف» بر ضرورت به توافق رسیدن ناتو و روسیه در این زمینه تأکید کرد (Fenenko, 2011: 9). «مایکل مک‌فال» سفیر روس‌شناس آمریکا در روسیه، در سنای آمریکا در ۱۲ اکتبر ۲۰۱۱ بر ضرورت ادامه ساخت سامانه دفاعی موشکی آمریکا در اروپا تأکید کرد که با ابراز نارضایتی شدید روسیه همراه بود (MacFaul, 2011: 7). البته در چارچوب مفهوم جدید مورد تصویب ناتو، روسیه دشمن اعضای این سازمان معرفی نشده است. با این حال روس‌ها همواره به تهدید استقرار این سامانه برای امنیت ملی خود پرداخته‌اند. مدودیف با اشاره به مشکلات دو کشور و نیز تصویب پیمان استارت-۲، ابراز امیدواری کرد که در سال ۲۰۱۰ با اجرای تعهدهای دو کشور در چارچوب این پیمان، جهان متفاوتی شکل بگیرد. او هشدار داد در غیر این صورت با ساختن سامانه

دفاعی موشکی در اروپا، عصر جدیدی از جنگ سرد شکل خواهد گرفت. با این حال برخی از کارشناسان امور نظامی روسیه مانند «یوری سولومونوف» مدیر اصلی طرح‌های موشکی روسیه استقرار سامانه دفاعی موشکی امریکا را تهدیدی برای روسیه نمی‌دانستند (Felgengauer, 2011: 10). به هر ترتیب در نشست شیکاگو در مه ۲۰۱۲ «آندرس فوگ راسموسن»، دبیرکل ناتو اعلام کرد مرحله اول ساخت سپر دفاعی موشکی در اروپا به پایان رسیده است، اما گفت‌وگوها در این مورد ادامه یافت.

مقام‌های امریکایی و روسیه بارها اعلام کردند جنگ سرد به پایان رسیده و دو کشور باید تلاش کنند آثار و بقایای آن را از میان ببرند. تکرارهای آنان به خوبی نشان می‌داد اختلاف‌های جدی در میان دو کشور وجود داشت و مشکلات بسیاری در میان دو کشور حل نشده باقی مانده بود. از نظر چگونگی توزیع سلاح‌های گوناگون، جهان در دهه ۲۰۰۰ به بعد با جهان دهه ۱۹۸۰ چندان تفاوتی نداشته است. البته با تصویب پیمان استارت ۲ قرار بود تا سال ۲۰۲۰ تغییرهای جدی در این زمینه شکل بگیرد. مسأله بازدارندگی هسته‌ای متقابل از مهم‌ترین دغدغه‌های مسکو و واشنگتن به شمار می‌آید. با وجود توافق‌های صورت گرفته، سلاح‌های هسته‌ای دو کشور همچنان توانایی‌های استراتژیک دیگری را هدف گرفته است. در حالی که اوپاما بر پایین‌ترین حد بازدارندگی و کاهش چشمگیر سلاح‌های هسته‌ای تأکید داشت، دومای کشوری روسیه حاضر نشد پیمان استارت ۲ را بدون در نظر گرفتن فضای روابط دو جانبه تصویب کند. از سال ۱۹۶۲ نیروهای هسته‌ای انگلیس به عنوان بخشی از سیستم نیروهای هسته‌ای امریکا شناخته شده‌اند. اما در قرارداد آی ام اف<sup>۱</sup> (سال ۱۹۸۷) در دوره میخائیل گورباچف، برای نابودی موشک‌های کوتاه‌برد و میان‌برد در میان این کشور با امریکا بسته شد، این نیروها به شمار نیامده است. موضوع سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی هم همچنان جدی است. روسیه و امریکا از توافق در مورد گسترش نیافتن سلاح‌های هسته‌ای بازمانده‌اند. تفاوت دیدگاه‌های مسکو و واشنگتن در همکاری هسته‌ای روسیه با ایران و کره شمالی بسیار آشکار بوده است. در این زمینه امریکا بر بازنگری پیمان ان پی تی تأکید دارد، اقدامی که روسیه نپذیرفته است. روسیه کاهش سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی، به‌کارگیری سامانه دفاعی موشکی اروپایی، بازنگری میزان استقرار سلاح‌های غیرهسته‌ای در اروپا سی اف ای (سال‌های پایانی دوره شوروی)<sup>۲</sup>، آینده نیروهای موشکی میان‌برد (آی ام اف)

1. The Intermediate-Range Nuclear Forces Treaty (INF)  
2. Treaty on Conventional Armed Forces in Europe (CFE)

و گنجاندن نیروهای هسته‌ای انگلیس و فرانسه در گفت‌وگوهای کنترل و خلع‌سلاح با آمریکا را مطرح ساخت.

مسئله گسترش ناتو به سوی شرق همچنان به عنوان یکی از چالش‌های اساسی در روابط دوکشور است. «دمیتری روگوزین» نماینده روسیه در ناتو، ایجاد یک پلیس سیاسی در جهان را براساس کارکردها و مأموریت‌های جدید ناتو رد کرده است (Solovyov, 2010: 8). پس از فروپاشی اتحاد شوروی، انتظار روسیه از انحلال این سازمان پاسخ نیافت، بلکه در پی گسترش امواج ناامنی در اروپا، این سازمان با تغییر مأموریت، کارکرد و رویکردهای خود، گسترش به سوی مرزهای روسیه را دنبال کرد. به بیان پاول پتروفسکی سفیر روسیه در پرتقال، سیاست دفاعی-امنیتی اروپا شرایط را برای فعالیت‌های غیرنظامی بیشتر آن فراهم آورد. در پی گفت‌وگوهای رهبران ناتو و دبیرکل آن در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۰ در لیسبون، تغییرهای مهمی در ساختار و تشکیلات این سازمان به وجود آمد تا ایفای نقش سیاسی-امنیتی و نه تنها نظامی آن را تسهیل کند (Petrovsky and Dedushkin, 2011: 49- 57). «آندرس فوگ راسموسن» دبیرکل ناتو از روسیه هم برای شرکت در این نشست دعوت کرده بود. پذیرش این دعوت از سوی مدودیف با تأخیر همراه بود تا روسیه مطمئن شود ناتو آماده "بازشروع" روابط با روسیه است. سپس روسیه و سران ناتو آغاز مرحله جدید همکاری استراتژیک خود را در بیانیه مشترکی مطرح کردند. بر اساس آن، تأمین امنیت کشورهای ارو-اتلانتیکی چنان درهم تنیده شده که بدون همکاری روسیه و کشورهای عضو ناتو قابل دسترسی نخواهد بود. اما اختلاف‌های ژئوپلیتیکی روسیه با کشورهای اروپایی چنان عمیق و گسترده بود که به زودی، دشواری‌های رسیدن به اهداف این بیانیه مشخص شد. مسئله حمله اوت ۲۰۰۸ روسیه به گرجستان، زیر کنترل درآوردن بخش‌هایی از این کشور و تهدید یکپارچگی سرزمینی این کشور، اجرای بیانیه مشترک را بی‌اثر ساخت. از دید روسیه هم اقدام نظامی سنگین سال ۲۰۰۳ آمریکا در عراق و بمباران‌های گسترده این کشور با "مفهوم استراتژیک" اعلام‌شده ناتو در رویارویی آشکار قرار داشت (Petrovsky and Dedushkin, 2011: 49- 57). با این حال، روسیه و سران ناتو توافق کردند در این زمینه‌ها با یکدیگر به همکاری بپردازند: سامانه موشک‌های بالستیک مشترک، سامانه موشک‌های دفاعی مشترک، تلاش برای رسیدن به تحلیل مشترک از چارچوب همکاری

موشکی آتی روسیه و ناتو. البته اهمیت همکاری روسیه و ناتو در افغانستان، ضرورت چشم‌پوشی از بسیاری از مشکلات در روابط متقابل را برای رهبران روسیه و ناتو برجسته می‌ساخت. در جریان برگزاری نشست لیسبون آشکار شد سران ناتو به خوبی توجه یافته‌اند، بدون روسیه نمی‌توان مشکلات مهم بین‌المللی از جمله مسایل امنیت در غرب آسیا و مسایل مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی را حل و فصل کرد.

## ۲-۳ مبارزه با تروریسم

دو کشور پس از رخداد‌های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ توانستند گام‌های بلندی در حوزه مبارزه با تروریسم، به‌ویژه در افغانستان بردارند. روسیه از سوی آن سوی مرزهای جنوبی خود در آسیا، از افغانستان و پاکستان، موج گسترش و نفوذ تروریسم به درون مناطق مسلمان‌نشین خود را، تهدیدی جدی ارزیابی می‌کند (Lukin, 2011: 57). با این حال، این واقعیت که جنبش پشتون تبار طالبان، در میان تاجیک تبارها و ازبک تبارها در تاجیکستان و ازبکستان هوادار ندارد، برای بسیاری از تحلیل‌گران روسیه نکته مثبتی به شمار می‌آید. بر این اساس، گسترش اسلام‌گرایی از این سرزمین‌ها به آسیای مرکزی کاهش می‌یابد، هرچند رخداد‌های پس از سپتامبر ۲۰۰۱ نشان داد، ظرفیت انتقال تندروی اسلامی در این منطقه همچنان بسیار چشمگیر است. افغانستان گذشته از صدور تهدید بنیادگرایی اسلامی، مهم‌ترین کانون تولید و صدور مواد مخدر به روسیه است، که ۳۵ درصد آن در این کشور مصرف می‌شود (Lukin, 2011).

برای امریکا و متحدان آن در ناتو که سیاست افغانی‌کردن جنگ در این کشور را دنبال کرده‌اند، تشدید مشکلات امنیتی در پاکستان، مسیر اصلی انتقال کمک به افغانستان، همکاری روسیه را بسیار حیاتی ساخته است. انتقال تجهیزات و مواد گوناگون مورد نیاز آیساف و ارتش افغانستان از مسیر روسیه، در نشست سران ناتو در لیسبون مورد تأکید قرار گرفت. در اکتبر ۲۰۱۰، امریکا بازهم از روسیه خواست همکاری بیشتری با آیساف داشته باشد (Petrovsky and Dedushkin, 2011: 49-57) تا مبارزه کارآمدتری با تجارت مواد مخدر از افغانستان انجام شود. برای روسیه نیز که از مهم‌ترین مسیرهای انتقال مواد مخدر از افغانستان به سوی اروپا است، این همکاری بسیار اهمیت داشت. بسیاری از صاحب‌نظران، همکاری روسیه با آیساف را از دستاوردهای "بازشروع" روابط

آن با امریکا ارزیابی کرده‌اند. این همکاری با نظارت شورای روسیه- ناتو، شرایط را برای آموزش‌های مبارزه با تروریسم و موادمخدر هم فراهم‌آورد. با این حال، حمله ناتو به لیبی و مرگ قذافی، روابط امریکا و روسیه را به تیرگی کشاند. حمله نظامی به لیبی، سپردفاعی موشکی، پیمان موشک‌های میان‌برد، برنامه هسته‌ای ایران و روند درگیری‌ها در سوریه، بهبود روابط امریکا و روسیه را با اختلال روبه‌رو کرد.

### ۳-۳ برنامه‌های دمکراتیک‌سازی

برخی دیپلماسی عمومی را برنامه‌های دولتی می‌دانند که با هدف آگاهی و جهت‌دادن به افکار عمومی در کشورهای دیگر طراحی و اجرا می‌شود. بنابراین دیپلماسی عمومی با اهداف و برنامه‌های مشخص شکل می‌گیرد. برخی هم آن را امور خارجی مردم مدار خوانده‌اند. شمار قابل توجهی از سیاستمداران روسیه بر این باور هستند که وزارت امور خارجه امریکا در پی طرح و اجرای برنامه‌های گوناگون برای تضعیف دولت و نهادهای قانونی در روسیه است (Bovt, 2012: 63). برپایی انقلاب‌های رنگی در جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی در این زمینه شواهد مناسبی را ارائه کرده است. از سوی نهادهای داخلی در روسیه هم، از روند محدودسازی آزادی‌های قانونی شهروندان، بارها انتقاد شده است. در گزارش‌های منابع رسمی هم به مداخله غیرقانونی نهادهای قدرت، برای دخالت در انتخاب و رفتار آزاد مردم اشاره شده است (Moshkin, 2010: 3). با این حال، در جریان تظاهرات شهروندان روسیه، سرکوب آنان یکی از تکراری‌ترین صحنه‌ها است.

### ۳-۴ روابط اقتصادی

رهبران روسیه به خوبی این به مسأله توجه دارند که سیاست و اقتصاد بین‌الملل بسیار درهم‌آمیخته شده‌اند. تأثیر زیرساخت اقتصادی قدرتمند در روسیه برای بازسازی توانمندی‌های نظامی کشور نیز، به‌ویژه با توجه به تجربه دوران اتحاد شوروی، از اهمیت چشمگیری برخوردار بوده است. سیاستمداران روسیه به خوبی از ضرورت گسترش روابط با کشورهای پیشرفته، به ویژه امریکا، برای جبران عقب‌ماندگی‌های تکنولوژیک خود آگاه هستند (Karaganov, 2012: 12). روسیه در جهت تأمین نیازهای اقتصادی خود،

پیوستن به نهادهای اقتصادی فرامنطقه‌ای را نیز مورد توجه قرار داده است. پیوستن روسیه به مجمع آسم که کشورهای عضو آسه‌آن و کشورهای اروپایی آن را تشکیل داده‌اند، در این زمینه قابل توجه است (Koldunova, 2010: 27- 32). تقویت گروه همکاری بریکس را که از کشورهای، چین، هند و افریقای جنوبی تشکیل شده، نیز مورد توجه قرار گرفته است (Isachenko, 2012: 112, 121).

با وجود اهمیت مسایل سیاسی- امنیتی، دو کشور به گسترش روابط اقتصادی مناسب دست نیافتند. حجم سرمایه‌گذاری امریکا در اقتصاد روسیه بسیار ناچیز بوده که نیمی از آن در بخش انرژی انجام شده است. امریکا از فهرست ۱۰ کشور بزرگ سرمایه‌گذار در روسیه خارج شده است. مجموع سرمایه‌گذاری امریکا در روسیه به ۱۰ میلیارد دلار هم نمی‌رسد که تنها ۳ میلیارد دلار آن به صورت مستقیم انجام شده است. روابط تجاری دو کشور نیز بیش از ۱۰ میلیارد دلار نیست که بسیار از حجم تجارت امریکا با چین کمتر است (Bovt, 2012, 63). بسیاری از سرمایه‌گذاران امریکایی خواستار تغییر فضای سرمایه‌گذاری در این کشور بوده‌اند. با توجه به مسایل فساد مالی در روسیه و اقدام‌های دولت امریکا برای محدودسازی آثار آن در روابط دو کشور، سرمایه‌گذاران امریکایی تمایل زیادی به فعالیت در اقتصاد روسیه نشان نداده‌اند. تجربه نشان داده گسترش روابط امریکا با یک دولت اقتدارگرا در روسیه، مانند چین، در گرو روابط اقتصادی سودمند در میان دو کشور قرار دارد.

در اکتبر ۲۰۱۲ که اعلام شد ۸ شهروند امریکایی روس تبار یا مرتبط با روسیه، به جرم صادر کردن موادی با تکنولوژی پیشرفته برای نیروهای نظامی و مجتمع صنعتی- نظامی به روسیه، با ارزش ۵۰ میلیون دلار بازداشت شدند، سایه سنگین ملاحظات امنیتی بر روابط دو کشور به خوبی آشکار شد. اهمیت این موضوع با توجه به برنامه به‌سازی و ارتقاء تسلیحات و سیستم‌های نظامی در روسیه که از سوی ولادیمیر پوتین آغاز شد، هم در امریکا و هم در روسیه از حساسیت زیادی برخوردار بوده است. در امریکا محافظه‌کاران این رفتار را اقدام علیه منافع خود ارزیابی کردند. در روسیه هم هشدار برای ضرورت تمرکز بر امکانات و توانمندی‌های داخلی برآورد شد (Felgengauer, 2012: 8).

## نتیجه

در پی انتخاب اوباما به عنوان رییس جمهوری امریکا و وعده تغییر در سیاست خارجی امریکا، سیاست "بازشروع" پویایی جدیدی را وارد روابط امریکا- روسیه کرد. مقام‌های دو کشور کوشیدند جنبه‌های اقتصادی را در روابط متقابل بیشتر مورد توجه قرار دهند و در جهت تأمین نیازهای مشترک از ظرفیت‌های یکدیگر بهره‌گیرند. همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از سرعت بیشتری برخوردار شد که در برخورد با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی نیز نمودی آشکار یافت. روسیه که تنها قدرت هسته‌ای همراه با ایران در تکمیل نیروگاه بوشهر بود، نشان داد در این زمینه هم‌گام و هم‌ساز با امریکا رفتار می‌کند، هرچند ملاحظات و مسایل ویژه خود را نیز رها نکرد. در مورد مسأله سوریه نیز شکاف‌های جدی در برخورد با دولت اسد و مخالفان آن پر نشد، اما امکان همکاری در حوزه‌های منافع مشترک دو کشور را از میان نبرد. «سرگئی ریابکوف» معاون وزیر امور خارجه روسیه در نوامبر ۲۰۱۱ اعلام کرد روابط امریکا و روسیه بسیار بیش از آنچه پیش‌بینی می‌شد، بهبود یافته است. او از یک سو به نقش مثبت امریکا در مسیر صلح و سازش در گرجستان اشاره کرد و از سوی دیگر همکاری با این کشور را برای راه‌یافتن روسیه به سازمان تجارت جهانی مطرح ساخت. ریابکوف اعلام کرد دو کشور در حال بررسی تسهیلات متقابل ویزا هستند تا شهروندان‌شان بتوانند ویزای سه‌ساله دریافت کنند که بتوانند بارها با آن به کشورهای یکدیگر بروند.

سه سناریو برای آینده روابط امریکا و روسیه تصویر شده بود. نخست اینکه ادامه ریاست جمهوری باراک اوباما به بهبود روزافزون روابط همه‌جانبه دو کشور کمک کند. بسیاری از صاحب‌نظران احتمال تحقق یافتن این سناریو را اندک می‌دانستند. احتمال داده می‌شد اوباما در دور دوم ریاست جمهوری خود به بازسازی رویکرد نرم‌افزاری در برابر روسیه بپردازد. در این صورت از شرایط جنگ سرد دور می‌شد و بازسازی اعتماد متقابل در میان دو کشور مورد توجه قرار می‌گرفت. حذف صدور روادید در میان شهروندان دو کشور گامی ابتدایی در این مسیر به شمار می‌آمد. همکاری در طرح‌های دفاعی و نیز گسترش روابط ناتو با سازمان پیمان امنیت جمعی، همکاری بیشتر در افغانستان و ادامه گفت‌وگو در مورد «آی.ان.اف» در این زمینه قابل بررسی بود. هرگونه پیشرفت در حوزه‌های یادشده، ظرفیت افزایش همکاری در زمینه‌های دیگر را فراهم می‌کرد. در سناریوی دوم هم، ادامه



"بازشروع" اساس قرارگرفت، با این حال، مسأله سپر دفاعی موشکی حل نشده باقی ماند. بازهم روابط دو کشور ثبات خود را حفظ می‌کرد، هرچند اختلاف‌ها نیز ادامه می‌یافت. افرادی مانند «مایکل مک‌فال» سفیر امریکا در روسیه بر این باور بودند که به "بازشروع" روابط امریکا و روسیه ادامه خواهد داشت. با این حال سناریوی سومی هم وجود داشت که تخریب فزاینده سیاست "بازشروع" در آن مورد توجه قرار می‌گرفت. با به قدرت رسیدن دوباره اوباما، احتمال این سناریو کاهش یافت.

در پایان سال ۲۰۱۱ «سرگئی لاورف» خود و هیلاری کلینتون را عمل‌گرا خوانده بود. او موفقیت امضای پیمان استارت ۲ و ادامه همکاری‌های غیرهسته‌ای دو کشور و نیز همراهی امریکا برای پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی را مورد تأکید قرارداد. لاورف همکاری سازنده دو کشور در زمینه‌هایی که منافع مشترک دارند، دارای نتایجی مهم برای امریکا و روسیه دانست. او با طرح حوزه‌های بین‌المللی مورد اختلاف دو کشور، اهمیت همکاری آن‌ها را برای حل و فصل مشکلات بین‌المللی مطرح ساخت. دو کشور توانستند با ارزیابی نتایج رویارویی فزاینده در روابط خود و هزینه‌های آن، مزایای "بازشروع" روابط را در جهت تأمین منافع مشترک تجربه کنند. تصویب پیمان استارت ۲- یکی از مهم‌ترین نتایج مثبت سیاست "بازشروع" روابط روسیه با امریکا، در شرایط پس از رخدادهای افغانستان و عراق از یک سو و احیای نفوذ روسیه در خارج نزدیک و جنگ در گرجستان از سوی دیگر به شمار آمد. البته همواره در روابط دو کشور دشواری‌های گوناگونی هم بروز کرده است. موضوع «سرگئی ماگینسکی» و اخراج جاسوسان روس تبار در امریکا و نیز موضوع «ادوارد اسنودن» آثار آن در روابط دو کشور نشان داده، با همه پیچیدگی‌ها و دشواری‌ها، رهبران دو کشور تلاش‌اند اهمیت همکاری و مزایای آن را برجسته‌سازند. البته با رخدادهای اوکراین روابط روسیه با اروپا و امریکا وارد مرحله جدیدی شد که بررسی آن در آینده انجام می‌شود. \*

## کتابنامه

### منابع فارسی:

کولایی، الهه. (۱۳۹۰). جعفر خاشع و حبیب رضازاده، "بررسی روابط روسیه و آمریکا در پرتو سیاست «از سرگیری» اوباما"، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال چهارم، شماره ۹، پاییز و زمستان، صص ۹۹-۸۰.

..... (۱۳۹۳). *سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی*، چاپ سوم، تهران: سمت.

کولایی، الهه، تیشهیار، ماندانا و محمدی، محمود. (۱۳۸۶). *سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، دگرگونی در ساختار، مأموریت و کارکردها*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

### منابع انگلیسی

- Arbatov, Alexsei. (2011). "The Twists and Turns of Missile Defense, *Nezavisimaya gazeta*, Nov. 7, 2011, p. 3, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 44, Vol. 063, October 31, page(s): 3-7 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Asmolov, Grigory Aleksandr Reutov. (2007). "Ehud Olmert Pays a Visit to Moscow", *Kommersant*, Oct. 19, p. 9 Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 42, Vol. 59, November 14, 2007, page(s): 20 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Barbashin, Anton. (2012). "Russia, U.S. Carve up Central Asia", *Nezavisimaya gazeta*, Sept. 24, p. 9, Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 39, Vol.064, September 24, 2012, page(s): 16 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Blank, Stephen. (2010). "Beyond the Reset Policy: Current Dilemmas of U.S.-Russia Relations", *Comparative Strategy*, 29: 4, 333-367.
- Bovt, Georgy. (2012). "The Reset Has Run Out of Gas", *The Moscow Times*, Nov. 8, p. 63, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current

- Digest of the Post-Soviet Press), No. 44, Vol. 064, October 29, 2012, page(s): 18-19 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Cohen, Ariel and Bryan Riley. (2012). "After WTO Membership: Promoting Human Rights in Russia with the Magnitsky Act", *The Heritage Foundation*, Backgrounder, No. 2687, May 14, Current Digest, Vol. 64, No. 22, 2012, pp.15-16 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Dvali, Georgy and Aleksandr Reutov. (2012). "Russia Needs to Understand that NATO Is Already in Georgia, *Nezavisimaya gazeta*, April 9, p. 2, Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 15, Vol. 064, April 09, 2012, page(s): 14 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Fenenko, Aleksei. (2011). "Outlook to the Reset", *International Affairs*, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 46, Vol. 063, November 14, page(s): 18-20 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- 2011) .....). "After Reset", *Nezavisimaya gazeta*, Jan. 17, 2011, p. 9, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 3, Vol. 063, January 17, page(s): 15-16 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Fenenko, Aleksei, Munich Choice. (2011). *Nezavisimaya gazeta*, Feb. 14, p. 9, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 7, Vol. 063, February 14, 2011, page(s): 7-8 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Felgengauer, Pavel. (2011). "A System of 'General' Deterrence", *Novaya gazeta*, June 1, p. 10, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 22, Vol. 063, May 30, 2011, page(s): 6-9 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- 2012) .....). "Reset Gets Hung Up", *Novaya gazeta*, Oct. 8, p. 8, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 41, Vol. 064, October 08, 2012, page(s):16-17 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- 2011) .....). "Strategic Burnout", *Novaya gazeta*, Nov. 7, p. 5, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 44, Vol. 063, October 31, 2011, page(s): 3-7 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Gromyko, Alexi. (2012). "Russia between Europe and Asia", *International Affairs*, No. 6, page(s): 72-76, <http://dlib.eastview.com/browse/doc/28261576>, (accessed on: 29 Jan. 2013).

- Gabuyev, Aleksandr, Vladimir Solovyov, Yelena Chernenko and Aleksandr Konstantinov. (2012). "Putin Bows Out of G-8 Summit", *Kommersant*, May 11, p. 1, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No.18, Vol. 064, April 30, 2012, page(s):12-14 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Gabuyev, Aleksandr and Polina Yeremenko. (2011). "Michael McFaul Conveys an Undiplomatic Message", *Kommersant*, Oct. 14, p. 7, Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 41, Vol. 063, October 10, 2011, page(s):17-18 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Gusman, Mikhail. (2011). "Sergei Lavrov: 'Hillary and I Are Pragmatists'", *Rossiiskaya gazeta*, Nov. 11, p.1, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 44, Vol. 063, October 31, 2011(accessed on: 29 Jan. 2013).
- Isachenko, I. (2012). "BRICS in Russia's Foreign Economic Strategy", *International Affairs*, No.1, page(s): 112-121, <http://dlib.eastview.com/browse/doc/26662782>, (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Ivanov, Igor. (2012). "Russia's European Prospect", *The Moscow Times*, Nov. 28, p. 47,
- Karaganov, Sergei, "Pause before Window of Opportunity", *Rossiiskaya gazeta*, May 18, 2011, p. 8 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Karaganov, Sergei. (2011). "Pushing Forward after Reset", *Rossiiskaya gazeta*, Feb. 17, p. 8, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 7, Vol. 063, February 14, 2011, page(s): 7-8 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- ..... (2012). "What Gives Power, Brother? *Rossiiskaya gazeta*, Nov. 28, p. 12, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 48, Vol. 064, November 26, 2012, page(s): 10-13 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Khodorkovsky, Mikhail. (2011). "Russia 2012: Modernization or Stagnation?" *Vedomosti*, Oct. 12, p. 4, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 41, Vol. 063, October 10, 2011, page(s): 7-11 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Koldunova, E. (2010). "Russia Joins ASEM", *International Affairs*, No. 6, page(s): 27-32, <http://dlib.eastview.com/browse/doc/24323360> (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Konovalov, Sergei. (2012). Syrian Mission for Russian Paratroopers, *Nezavisimaya gazeta*, June 6, p.1 (accessed on: 29 Jan. 2013).

- Konstantinov, Ivan. (2012). “Genie of Islamism Comes Out of the Bottle, *Nezavisimaya gazeta*, March 13, p. 7, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No.10, Vol. 064, March 05, 2012, page(s): 9-11(accessed on: 29 Jan. 2013).
- Koryashkin, Pavel. (2012). “Real Threat to Russia, the U.S. and the EU Lies in the Current Instability”, *Kommersant*, Jan. 12, p. 6, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No.1, Vol.064, January 01, 2012, page(s):15-16 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Kosachov, Konstantin. (2011). “Missile Defense Built on Trust, *Izvestia*, May 18, p. 6, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 20, Vol. 063, May 16, 2011, page(s): 8-10 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Klenov, A. (2012). “Russia-USA: A “Software” Update”, *International Affairs*, No. 5, page(s): 36-44, in: <http://dlib.eastview.com/browse/doc/27890340> (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Kramarenko, A. (2008). “The Ideology of Russia’s Foreign Policy Concept”, *International Affairs*, No. 5, page(s): 29-38, <http://dlib.eastview.com/browse/doc/19391991>, (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Latynina, Yulia. (2012). Putin Is Joining the Dictators’ Club, *the Moscow Times*, June 6, p. 8 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Lukin, Alexander. (2011). “Central Asia and Afghanistan in Russia’s Strategy”, *International Affairs*, No. 5, page(s): 57-63, <http://dlib.eastview.com/browse/doc/26123378>, (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Putin, Vladimir. (2012). “Russia’s Foreign Policy Has Always Been Independent and It Will Remain So”, *International Affairs*, No. 4, page(s): 1-8, <http://dlib.eastview.com/browse/doc/27620909>, (accessed on: 29 Jan. 2013).
- “Reset or Respite” (Editorial). *Nezavisimaya gazeta*, Dec. 30, 2009, p.1, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 51, Vol. 061, December 21, 2009, page(s): 20 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Reutov, Aleksandr. (2007). “Russia Thwarting Palestinian-Israeli Settlement”, *Kommersant*, Aug. 1, p. 6, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 31, Vol.59, August 29, 2007, page(s): 15-15 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Rogov, Sergei. (2012). Preelection Crossroads of Détente, *Nezavisimaya gazeta*, Feb.17, p. 1, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 7, Vol. 064, February 13,

- 2012, page(s): 16 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Russia's Diplomatic Efforts in Syria Floundering (Editorial), *Vedomosti*, June 5, 2012, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 23, Vol. 064, June 04, 2012, page(s): 6-8, (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Sharavin, Alexander. (2010). "Russia, NATO, Europe: Striking a Balance", *Novaya gazeta*, Nov. 1, p. 12, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 44, Vol. 062, November 01, 2010, page(s): 1-6 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Simonyan, Yury. (2011). "U.S. Senate Calls Russia an Occupying Force", *Nezavisimaya gazeta*, Aug.1, p.6, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 31, Vol.063, August 01, 2011, page(s): 15-16 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Solovyov, Vladimir. (2010). "Russia and America Strike a Missile Deal, *Kommersant*, March 29, p.1, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 13, Vol. 062, March 29, 2010, page(s): 8-10 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- 2009) .....). "Tension Mounts in Iran's Relations with Russia, West", *Kommersant*, Nov. 14, p. 4, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 46, Vol. 061, November 16, 2009, page(s): 7-9 (accessed on: 29 Jan. 2013)
- 2010) .....). "The Concept of a Global Policeman Is Unacceptable to us", *Kommersant*, Nov. 10, p. 8 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Solovyov, Vladimir, Elena Chernenko and Kirill Belyaninov. (2010). "Strategic Offensive Remarks, *Kommersant*, Dec. 2, p1., in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 48, Vol. 062, November 29, 2010, page(s): 5-6 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Solovyov, Vladimir. (2011). "The Absence of Joint Projects Strengthens Mutual Suspicions", *Kommersant*, May 20, p. 8 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Terekhov, Andrei. (2009). "IAEA Doubts Tehran's Sincerity", *Nezavisimaya gazeta*, Nov.18, p. 1 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- 2009) .....). "Munich Resetting", *Nezavisimaya gazeta*, Feb. 9, 2009, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 6, Vol.61, February 09, page(s): 14,15 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Volkov, Konstantin and Andrei Samodin. (2011). "Friendship with Assad Could Come at high Cost", *Izvestia*, Nov. 16, p. 9, in: Current Digest of the Russian

- Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 46, Vol. 063, November 14, 2011, page(s): 5-7 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Yermolin, Anatoly and Boris Yunanov. (2011). *The New Times*, Nov. 28, pp. 24-26 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Yeryomenko, Polina, Aleksandr Gabuyev and Yelena Chernenko. *Kommersant*. (2011). "All Triumph and No Failure, *Kommersant*, Nov. 7, p. 8, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 44, Vol. 063, October 31, 2011 (accessed on: 29 Jan. 2013).
- Zlobin, Nikolai. (2012). New World Order: Russia's Place in the World, *Vedomosti*, April 23, in: Current Digest of the Russian Press, The (formerly The Current Digest of the Post-Soviet Press), No. 17, Vol. 064, April 23, 2012, page(s):17 (accessed on: 29 Jan. 2013).





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی